

ش ۱۲۶ - *Borago officinalis*: سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - ۲ - برش
قائم گل - ۳ - دیاگرام م - مادگی ج - جام گل بد - بساک

ترکیبات شیمیائی - گل و بطور کلی اعضای مختلف گیاه دارای لعاب نسبتاً فراوان، در حدود ۳۰ درصد است. اعضای سبزی گیاه دارای نیترات پتاسیم می باشد. مواد دیگری نیز نظیر رزین ها، مالات کلسیم، مقدار بسیار جزئی اسانس، اسلاح سنگنز، سنیزیوم، اسید فسفریک و مقدار بسیار جزئی از آلانتوئین *alantoine* در آن یافت می شود.

خواص درمائی - گل و برگ گاو زبان، اثر نرم کننده، معرق، مدر، (دفع کننده کارورها)، آرام کننده و تصفیه کننده خون دارد. مصرف آن در تمام مواردی که احتیاج به تقویت اعمال کلیه، برونش ها و پوست باشد مانند زکام، سرفه، برونشیت، نزله، ذات الریه، بی اختیاری دفع ادرار، سوداء، خنازیر، حالات تحریکی و احتقانی اعضای مانند کلیه، کبد و طحال و همچنین خیز اندامها، توصیه گردیده است (Dr. H. Leclerc).

در رفع التهاب و ورم کلیه (نفريت) و تسکین دردهای ناشی از آن مؤثر واقع می شود. از گاو زبان به علت مدر بودن، در آغاز بیماریهای سرخک و سخمک، به منظور دفع مواد سمی از راه عرق و ادرار، استفاده بعمل می آورند. آنچه که مسلم است آن است که از گاو زبان نباید در درمان بیماریهای ذکر شده، اثری قاطع و سریع انتظار داشت. شیره گیاه خاصیت تصفیه کننده خون با اثر قوی دارد.

در استعمال خارج، له شده برگهای تازه گاو زبان اگر بر روی آبه ها، اورام و سوختگی های بدن قرار گیرد و یا جوشانده گرم آن بر روی آبه ها اثر داده شود، حالت تسکین درد و بهبودی ظاهر می نماید (۱).

صورت داروئی - دم کرده ۲۰ تا ۶۰ گرم برگ یا گل در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز، در فاصله غذاها (برای آنکه دم کرده گاو زبان، دارای همان رنگ طبیعی خود باشد باید عمل دم کردن سریعاً انجام شود) - شیره تازه به مقدار ۱۰۰ گرم مخلوط در جوشانده گوشت گوساله. در استعمال خارج، جوشانده ۵۰ تا ۱۰۰ گرم آن در یک لیتر آب بکار می رود.

برگ تازه گاو زبان اگر با برگ بولاغ اوتی و گل قاصد، به صورت له شده در آید و سپس شیره آنها تحت اثر فشار گرفته شود، عصاره ای به دست می آید که به عنوان تصفیه کننده خون می تواند مصرف گردد.

از مصارف دیگر گاو زبان آن است که از برگ های جوان آن در بسیاری نواحی به صورت

۱ - آنچه که در بازارهای ایران تحت نام گل گاو زبان، در معرض استفاده قرار می گیرد، جام گل خشک شده گیاه دیگری از این تیره به نام *Echium amoenum* است. این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی البرز می روید و پراکندگی آن بیشتر در ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری کوهستان ها و حتی زیادتر است.

سالاد استفاده بعمل می‌آید. برگ پخته گاوزبان نیز به صورت اسفناج مصرف می‌گردد. از گل گاوزبان برای رنگ کردن سرکه معمولاً استفاده می‌نمایند بعلاوه از آن نوعی تنطور و ورنی آبی رنگ تهیه می‌شود.

گل گاوزبان در فرمول شربت سالسپاری که پوزه که شامل مواد مختلف زیر است وارد می‌گردد.

عصاره سالسپاری (Salsepareille)	۱۳۵	گرم
گل گاوزبان	۶۰	»
گل سرخ (Rose pâle)	۶۰	»
برگچه سنا	۶۰	»
سیوه انیس سبز	۶۰	»
قند	۱۰۰۰	»
عسل	۱۰۰۰	»

آب به مقدار کافی تا به غلظت شربت در آید

ابتدا بر روی سواد ردیف‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ مقدار ۱۷۵۰ گرم آب گرم ۸۰ درجه می‌ریزند و به حال خود به مدت ۱۲ ساعت می‌گذارند تا دم کرده‌ای از آنها به دست آید. سپس صاف می‌کنند و عصاره سالسپاری را (عشبه) در آن حل می‌نمایند و با افزودن آلبومن و گذراندن از پارچه نازک، صاف می‌کنند. در این موقع قند و عسل اضافه می‌نمایند و حرارت می‌دهند تا به غلظت شربت در آید و خاتماً صاف می‌کنند.

مقدار مصرف آن، ۵ تا ۱۰ گرم، بطور خالص یا مخلوط در یک دم کرده معرق است. شربت سالسپاری به عنوان معرق و تصفیه کننده خون مصرف می‌شود.

تیزان معرق برای مصرف در تب‌های دانه‌ای (سرخک، مضمک):

گل گاوزبان	۱۰	گرم
برگ بادرنجبویه	۱۵	»
پرسیاوشان	۱۵	»
آبجوش	۵۰۰	»

اعضای گیاهان مذکور را در آبجوش وارد کرده به مدت یک ساعت دم می‌کنند سپس صاف کرده شربت گل شقایق (Papaver Rhoeas) به مقدار ۵ گرم به آن می‌افزایند و آنرا در مدت ۲۴ ساعت مصرف می‌کنند.

گل گاوزبان احتمالاً در آذربایجان می‌روید (Fl. de l'Iran).

* *Symphytum officinale* L.

فرانسه : Consoude commune ، Langue de vache ، Grande consoude

انگلیسی : Common Comfrey ، Gemeiner Beinwell ، آلمانی

ایتالیائی : Zinzinnici ، Somfito ، Consolida maggiore ، Consolida

عربی : سنفتون (Sanfitûn)

گیاهی است پایا، پر پشت و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۹ سانتیمتر که در دشتهای مرطوب، کنار رودخانه‌ها و گودالهای غالب نقاط معتدل اروپا می‌روید. در نواحی غربی سیبری و آسیای صغیر نیز پراکنده‌گی دارد ولی در ایران یافت نمی‌شود. از اختصاصات آن این است که ساقه‌ای راست، زاویه دار و پوشیده از تارهای خشن دارد. برگهای قاعده ساقه آن که بر روی زمین قرار دارند، بسیار بزرگ (حتی به طول یک متر)، بیضوی و دارای دمبرگ دراز می‌باشند در حالی که برگهای روی ساقه و قسمت‌های انتهائی آن باریک و تقریباً بدون دمبرگ‌اند. گل‌هایی به رنگ مایل به بنفش یا سفید سایل به زرد دارد که در فاصله ماههای اردیبهشت تا اواخر تیر ظاهر می‌شود ولی با آنکه نوش فراوان ایجاد می‌نماید معهداً تا قبل از فراخ شدن دهانه جام توسط حشراتی که جثه درشت دارند، نمی‌تواند مورد استفاده زنبور عسل قرار گیرد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریزوم و ریشه آن است که به صورت قطعات ۲ تا ۵ سانتیمتری در معرض استفاده قرار می‌گیرد. سطح خارجی این قطعات، خاکستری تیره یا کاسلا سیاه و دارای خطوط طولی مشخص پس از خشک شدن است. از گل‌های آن نیز جهت تهیه بعضی فرآورده‌های نرم کننده سینه استفاده بعمل می‌آید. بوی قطعات، ضعیف و طعم آنها لعابی است.

ترکیبات شیمیائی - ریشه و ریزوم این گیاه دارای موسیلاژ، اسید گالیک، آلانتوئین alantoïne، یک گلوکو - الکلوئید به نام کونسولیدین consolidine، به مقدار بسیار جزئی اسپاراژین، کولین، اسانس، قند و غیره است ضمناً وجود یک الکلوئید سمی به نام سمفیتوگلو سین symphytoglossine در آن ذکر گردیده که بر اثر تجزیه به کونسولیسین consolicine تبدیل می‌شود.

الکلوئید اخیر و کونسولیدین، هردو سمیت دارند ولی چون به مقادیر بسیار جزئی در گیاه یافت می‌گردند، مصرف ریشه آن هیچ گونه خطری بوجود نمی‌آورد.

تاریخچه - این گیاه از قدیم الایام مورد استفاده مردم و طبایب زمانهای خیلی قدیم بوده است بطوری که دیوسکورید و جالینوس حکیم، آنرا داروی اختصاصی برای التیام زخمها می‌دانسته‌اند، بعلاوه برای آن اثر کاهش دهنده تورم بواسیر، رفع خونروینها، درمان اخلاط خونی و خونروی در

فواصل قاعدگی قائل بودند. در قرون وسطی از آن برای التیام جراحات و درمان زخمهای چرکین استفاده بعمل می‌آمده است و حتی در زمانهای بعدتر، ارزش این گیاه آنچنان بالا رفته بود که آنرا داروی مورد نیاز درجراحی‌ها می‌دانستند بطوری که از آن در نوشته‌های خود به همین صورت یاد نموده‌اند (L. Fuchs در ۱۵۴۳). بررسی‌های آغاز قرن بیستم، مخصوصاً پس از استخراج آلتوتوئین از گیاه، سبب شد که عقاید پزشکان قدیم در مورد برخی آثار درمانی گیاه کاملاً تأیید گردد.



ش ۱۲۷ - Symphytum officinale : سرشاخه گلدار به اندازه تقریباً طبیعی

خواص درمانی - ارزش درمانی این گیاه بیشتر مربوط به ریشه آن است زیرا از برگ و گل آن جز به عنوان نرم کننده استفاده دیگری بعمل نمی‌آید. ریشه این گیاه اثر نرم کننده، تسکین دهنده، آرام کننده درد و ضدخونروی دارد بعلاوه دارای خاصیت التیام دهنده به نحو قاطع است بطوری که از این نظر بر بسیاری از گیاهان و داروهای مختلف سزیت دارد. با نتایجی که اطباء از این گیاه به دست آوردند، مصرف آنرا در بیماریهای مختلف مانند اختلاط خونی، بیماریهای سینه، سرفه‌های مداوم، وجود خون در ادرار، خونروی در فواصل -

قاعدگی، اسهال، اولسر معده و روده توصیه نموده‌اند. بررسی‌های W. Bohn در سال ۱۹۲۷ نشان داد که ریشه این گیاه اثر زیاد کننده ترشحات صفرا دارد. آنچه که ارزش این گیاه را خصوصاً در طب عوام بالا برده آن است که از آن در رفع عوارض سلولین نتایج مفید به دست می‌آید مانند آنکه با همه‌بی‌تأثیر بودن در علاج بیماری سل، به علت دارا بودن موسیلاژ، سرفه سلولین را تسکین می‌دهد و بر اثر داشتن تانن و آلتوتوئین، به ترتیب باعث تقویت عمومی بیمار و ترمیم بافتها و سلولهای آسیب دیده و از بین رفته می‌گردد و حالات اسهالی بیماران را رفع می‌کند. پیدایش این اثرات پس از مصرف ریشه گیاه، در بیماران قطعی است.

فرآورده‌های ریشه این گیاه در استعمال خارج نیز، نتایج قاطع می‌دهد مانند آنکه ضماد ریشه تازه و له شده آن اگر بر روی زخمهای تازه یا عفونی، اولسرهای مقاوم، کوییدگی‌ها، جمع شدن شیر در پستان، گزش حشرات، در رفتگی‌ها و محل دردناک مفاصل نقرسی اثر داده شود، نتایج مفید ظاهر خواهد گشت.

طبق بررسی‌های ارزنده Dr. Stein و تأیید L. Kroeber در سال ۱۹۳۷، پماد حاصل از عصاره ریشه گیاه دارای اثر ترمیم کننده بافت آسیب دیده ضریع و استخوانی است. با بکار بردن آن، التهاب و ناراحتی مفاصل زانو و اولسر اندامهای سافله علاج می‌پذیرد.

تجارب جدید Dr. H. Leclerc که در بیمارستان افراد مسن، بر روی زخمها و اولسرها صورت گرفت و در زمان جنگ نیز بر روی سوختگیهای عمیق آزمایش گردید، نشان داد که پانسمان فرآورده‌های ریشه این گیاه، اثر قاطع در ترمیم بافت‌های آسیب دیده دارد بطوری که به کمک آن، زخمها و سوختگیها به سرعت تغییر شکل حاصل می‌کند و ترشحات آن، حالت عفونی را از دست می‌دهد. تدریجاً کناره زخمها و سوختگیها به یکدیگر نزدیک می‌گردد و خاتماً التیام کامل حاصل می‌شود.

تجارب متعدد نشان داد که واژینیت و ورم رحم نیز با تزریق مهبل‌جوشانده نیم گرم ریشه گیاه، معالجه می‌گردد.

صورت دارویی - جوشانده ۱۵ تا ۳۰ گرم ریشه در یک لیتر آب، برای مصرف بطور تدریجی در ۲۴ ساعت خمیسانده ۱۵ گرم ریشه در یک لیتر آب جوش (به مدت ۲ ساعت) به مقدار یک فنجان بعد از هر غذا، جهت تسکین اسپاسم‌های دردناک و احساس سوزش در امعاء - دم کرده ۱۰۰ گرم ریشه در یک لیتر آب جوش جهت رفع اسهال شربت حاصل از بکار بردن ۱۰۰ گرم ریشه و ۶۰۰ گرم آب با افزودن مقدار کافی قند - تنطور ریشه به مقدار ۱۰ تا ۲ قطره مخلوط در یک تیزان. در استعمال خارج، جوشانده ۱۰۰ گرم ریشه در یک لیتر آب که به مدت یک ربع جوشیده باشد بکار می‌رود. ریشه تازه و له شده یا رنده شده گیاه نیز بر روی زخمها، اولسرها، خراشها

و ترك پوست، شقاق نوك پستان وغيره، جهت معالجه آنها اثر داده می شود.

ریشه رنده شده و تازه گیاه اگر بر روی محل سوختگیها اثر داده شود. سریعاً درد ناراحتی ناشی از سوختگی های سطحی را درمان می کند ضمناً تأثیر موضعی آن در بهبود و خراش مقعد مفید واقع می شود.

پماد التیام دهنده زخم

عصاره روان ریشه گیاه	۱۰ گرم
لانولین	» ۱۰
پماد خیار	» ۴۰

در محل خراش و زخم مالیده شود.

از مصارف دیگر این گیاه آن است که برگهای جوان آنرا می توان در سالاد مصرف کرد. پس از تأثیر بیسموت بر روی این گیاه نیز می توان از آن برای قهوه ای رنگ کردن پشم، استفاده بعمل آورد.

تیزان نرم کننده سینه و رفع سرفه

گل گیاه مذکور (۱)	۲۰ گرم
برگ توسیلاژ (۲)	» ۲۰
سرشاخه (Marrubium vulgare)	» ۲۰
ریشه ختمی	» ۲۰
سرشاخه گلدار زوفا	» ۲۰

اعضای خشک گیاهان مذکور را به قطعات کوچک تقسیم کرده در یک ونیم لیتر آب باید جوشانید و این عمل را ادامه داد تا سایج درون ظرف به نصف حجم اولیه تقلیل یابد. محلول حاصل را پس از سرد شدن نیز صاف کرده با عسل می توان شیرین کرد. مقدار مصرف آن ۴ فنجان در روز است.

۱- در فرسول مذکور چون *Symphytum officinale* در ایران نمیروید می توان بجای آن، از گل گاو زبان که آن نیز اثر مفید در رفع ناراحتی های مجاری تنفسی دارد استفاده کرد.
۲- توسیلاژ (پای خر)، از گیاهان سوثر در رفع ناراحتی های مختلف، منجمله ناراحتی های سینه است. این گیاه که بیشتر برگ آن به مصارف درمانی می رسد، در دامنه های برطوب کوهستانها مخصوصاً راه تهران به دساوند و همچنین راه کرج به چالوس، وسعتی از شیب دامنه ها که مشرف به جاده است اشغال می کند.

Cynoglossum officinale L.

فرانسسه : *Langue de chien* ، *Herbe d'Antal* ، *C. officinale* ، *Cynoglosse* ؛
انگلیسی : *Gemeine Hundszunge* ؛ *Hound's tongue* ، *Dog's tongue* ؛ آلمانی ؛
ایتالیائی : *Lingua di cane* ، *Erba vellutina* ، *Cynoglossa* ؛ عربی : *لسان الكلب* ؛
فارسی : **سگک زبان**

گیاهی است علفی، دو ساله به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر و به رنگ سبز مایل به سفید که در کنار جاده ها، زمینهای سنگلاخی، شن زارها و اماکن خشک غالب نقاط اروپا، امریکای شمالی و بعضی نواحی آسیا مانند ایران، به حالت خودرو می روید. از دامنه های کوهستانهای تا ارتفاعات ۲۰۰۰ متری بالا می رود. از مشخصات آن این است که ریشه ضخیم، دراز، دوکی-شکل، گوشتدار، به رنگ خاکستری تیره و ساقه ای راست، منشعب و پوشیده از تارهای نرم دارد. برگهای آن نرم، به رنگ تقریباً سفید، پوشیده از تارهای ظریف و دارای ظاهر باریک و دراز است. گلهای زیبای آن که در فاصله ماههای اردیبهشت تا خرداد ظاهر می شود، نسبتاً کوچک، به رنگ قرمز یا بنفش تیره و مجتمع به صورت خوشه کوچک با رأس خمیده به سمت پائین است. اجزای گل آن ۵ تائی و میوه اش چهارفنه قه ای، مسطح و دارای ظاهر مشخص می باشد بطوری که مجموعاً ۴ برجستگی کوچک و متصل به قاعده یک محور باریک و مرکزی را نشان می دهد.

قسمت مورد استفاده این گیاه ریشه آن است که به صورت قطعات کوچک نامنظم، به طول ۳ سانتیمتر و به قطر یک سانتیمتر در معرض استفاده قرار می گیرد. رنگ قطعات مذکور، خاکستری-قهوه ای یا مایل به قرمز، بوی آنها نسبتاً محسوس و طعم آنها لعابی است. قطعات ریشه این گیاه باید در جای خشک نگهداری شود زیرا به سرعت رطوبت هوا را جذب می کند.

تکثیر این گیاه اگر مورد پیدا نماید باید از طریق کاشتن دانه، در اراضی سبک و نرم صورت گیرد.

ترکیبات شیمیائی- ریشه این گیاه دارای کولین، مواد رزینی و الکاوئیدهای نظیر سینوگلووسین^(۱) *cynoglossine*، سینوگلووسین *cynoglosséine*، هلیوسوپین *heliosupine* و یک ماده تلخ به نام سینوگلووسیدین *cynoglossidine* است.
دانه این گیاه دارای ۳۰ تا ۳۵ درصد ماده روغنی است.

۱- در برخی از کتب دارویی، وجود سینوگلووسین منحصرأ در میوه این گیاه ذکر شده است (Fourn. II - 38).

هه‌لیوسوپین Heliosupine (سینوگلوئوسوفین cynoglossophine ، Heliosupin) ،
نوعی الکلئید پیرولیزیدین (pyrrolizidine) به فرمول $C_7H_{11}NO_2$ و به وزن ملکولی
۳۹۷٫۴۶ است و از ۲ نوع Cynoglossum به نام‌های زیر استخراج شده است:

(1) C. supinum L. و C. officinale L.



ش ۱۲۸ - Cynoglossum officinale : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

۲ و ۳- جام گل به حالت طبیعی و باز شده

مشابهت هه‌لیوسوپین با سینوگلوئوسوفین توسط Man'ko در سال ۱۹۵۹ و لسی تعیین
فرمول گسترده آن توسط Crowley و Culvenor مشخص گردید (1) . بررسی‌های بیوسنتز آن نیز
توسط Crout در سال ۱۹۶۷ انجام گرفت.

هه‌لیوسوپین، حالت بی‌رنگ و صمغی دارد. ملح پیکرات آن، به صورت بلورهای زرد-
رنگ در آب (حلال) به دست می‌آید. در گرمای ۱۰۳-۱۰۶ درجه نیز ذوب می‌شود.
برای آن، اثر درمانی ذکر نشده است.

خواص درمانی- آرام کننده سرفه و دارای اثر مخدر به صورت خفیف است. اثر مخدر این
گیاه امروزه بیشتر به سبب آن نسبت داده می‌شود. ریشه این گیاه، اثر قابض ملایم و برگ آن اثر
ملین دارد. ریشه و برگ آن در نزله سنجاری تنفسی و دستگاه هضم، رفع اسهال، سرفه‌های خشک
و عصبی، اسپاسم‌های روده و خونرویه‌های داخلی مصرف می‌شود.

در استعمال خارج، ضماد برگهای تازه و ریشه له شده گیاه، یا شیر و یا جوشانده آنها،
جهت تسکین درد در سوختگیها بکار می‌رود و اگر بر روی اورام و التهابهای سطحی بدن و زخمها
و اولسرها اثر داده شود، معالجه آنها را تسریع می‌کند. در رفع شقاق پستان، بواسیر و خارش
نیز اثر مفید دارد. اولسرها مقاوم، بسهولت با شیر آن معالجه می‌گردد (H. Schulz) در
(۱۹۳۷).

باتوجه به اختصاصات این گیاه چنین استنباط می‌شود که اثر درمانی آن از نظر کلی شباهت
زیاد به گیاه قبلی دارد.

صورت دارویی- در صمغ داخل جوشانده یا دم کرده ۳۰ تا ۶۰ گرم ریشه (یا برگ)
در یک لیتر آب به مقدار یک فنجان در روز و در استعمال خارج خیسانده ۵۰ گرم آن در یک لیتر
آب جوش جهت شستشو و اثر دادن بر روی زخمها و اولسرها بکار می‌رود.
پوست ریشه این گیاه در فرمول حب سینوگلوئوس اوپیاسه (Cynoglosse opiacée)
وارد است.

محل رویش- این گیاه در نواحی مختلف شمالی و شمال غربی ایران مانند آذربایجان،
خسرو در مناطق سنگلاخی، گیلان، رودبار و مازندران؛ ناحیه شاهوار در ارتفاعات ۲۷۰ متری
پراکنده‌گی دارد.

Lithospermum officinale L.

فرانسه : Perlière ، Graine perlée ، Herbe aux perles ، Grémil officinal
 انگلیسی : Echter Steinsame ، Pearl plant ، Common gromwell
 ایتالیائی : M. duro ، Miglio del sole ، Miglio cattivo ، Lacrime dei campi
 عربی : کاسرالحجر ، حب القلب

گیاهی است علفی ، پایا و دارای سوش ضخیم که از آن ساقه های متعدد و خشن به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر تا یک متر خارج می گردد. برگهای آن عموماً دارای وضع منفرد (مخصوصاً در قسمتهای انتهائی ساقه) و ظاهری بیضوی، نوک تیز و پوشیده از تار است. گلهای آن که بر روی انشعابات ساقه پدید می آید، رنگ سفید یا سایل به زرد دارد. این گیاه در غالب نواحی اروپا، اسریکای شمالی و نواحی معتدله آسیا مانند ایران یافت می گردد. پراکندگی آن نیز بیشتر در جنگلهای غیرانبوه، اماکن مرطوب ، داسنه های سنگلاخی و زمینهای بایر است.

از مشخصات آن که بهترین وسیله تشخیص گیاه به شمار می آید آن است که دانه گیاه از قشری نسبتاً سخت به رنگ سفید صدفی پوشیده می باشد و به همین علت است که گیاه مذکور به نام Herbe aux perles نیز موسوم گردیده است.

قسمت سورد استفاده این گیاه دانه و برگهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - قشر سطحی دانه های این گیاه دارای ترکیبی از دوماده کربنات کلسیم و سیلیکات کلسیم است. پوشش ریشه آن ، دارای نوعی ساده رنگی قرمز به نام لیتوس پریمین lithospermine می باشد و از آن غالباً برای رنگ کردن سواد غذایی سنجمله کره استفاده می کنند.

مغز دانه آن دارای نوعی ساده روغنی قابل استخراج با طعم سلایم است ولی به سرعت تند می شود.

خواص درمانی - دانه این گیاه طعم سلایم لعابی و اثر سدر دارد. باصرف آن نه تنها اعمال کلیه تقویت پیدا کند بلکه حالات تحریکی مجاری ادرار نیز از زمین می رود. از این جهت به علت دارا بودن توأم دو صفت مذکور، می تواند در سورد بسیار دقیق، کمکهای ارزنده بنماید. در سوردی که ذرات کوچک خارجی وارد چشم می شود و به درون پلک راه می یابد و در نتیجه ایجاد تحریک و ناراحتی می کند کافی است که یک دانه این گیاه را در داخل چشم قرار دهند. با این عمل، دانه پس از جذب رطوبت چشم، پوشیده از یک لایه نازک موسیلاژ

می شود که ذره خارجی را به خود جذب می کند و ضمن خارج شدن از چشم ، ذره مذکور را دفع می کند (A. Legrand ، Dr. H. Leclerc).

اطبای قدیم مانند Roques در سال ۱۸۳۷ ، مصرف آنرا در نزله مثانه افراد سسن که به علت وجود سنگ در دستگاه دفع ادرار، دارای تحریکات و ناراحتی های این عضو هستند،



ش ۱۲۹ - Lithospermum officinale : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل

مؤثر ذکر نموده است. جوشانده آن اثر معالج در رفع بی اختیاری دفع ادرار، سنگ کلیه، استسقاء و نفرس دارد. در طب عوام از آن برای رفع نزله دستگاه هضم و سهولت زایمان استفاده بعمل می آورند.

کلیه قسمت‌های گیاه دارای اثر دفع سنگ و رسوبات صفراوی است بعلاوه در درمان رماتیسم و نقرس اثر معالج ظاهر می‌کند.
از برگ و سرشاخه‌گلدار این گیاه، دم‌کرده‌های مفرح و ملایم، به صورت چای تهیه می‌کنند.

صورداروئی - جوشانده ۳۰ تا ۵۰ گرم دانه در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز در فاصله غذاها - اسولسیون حاصل از له کردن و سائیدن ۵ گرم دانه و ۳۰ گرم قند، با افزودن تدریجی ۵۰ گرم دم‌کرده گل پتیرک، به صورت، خالص و یا پس از افزودن ۵۰ تا ۶۰ گرم نترات پتاسیم (Roques) - دم کرده ۲۰ تا ۳۰ در هزار برگ و سرشاخه گلدار گیاه به عنوان مقوی قلب و رفع نقرس و سردرد.

محل رویش - نواحی مختلف البرز، اطراف تهران، پل جاجرود، نزدیک دربند، جبله - رود، کرج، جویستان طالقان در ۱۸۰۰ متری، بیشه در لرستان، گرگان: راسیان، حاجی‌لنگ در ۳۰۰ متری، بین گرگان و نوده، سازندران: دره هراز، کلاردشت در ۱۱۰۰ متری، گیلان: بین رشت و آستارا، آذربایجان: قره‌داغ، کردستان کوه آرومان، خراسان: کوه نیشابور، اطراف مشهد: آبشار اخلمد در ۱۶۰۰-۱۸۰۰ متری، کوه بینالود (دکتر شهرام یغمائی - احمد ماهوان) قزوین و کرج.

Lithospermum purpureo-caeruleum L.

فرانسه: Thé d'Europe، Grémil bleu، آلمانی: Blauroter Steinsame

گیاهی بسیار زیبا، پایا، پوشیده از تارهای خوابیده و دارای ساقه‌ای بردو نوع متفاوت خوابیده و قائم است. نوع خوابیده ساقه آن، با انشعاباتی که در سطح زمین پیدایی کند، مجموعاً منظره فرش زیبای سبزرنگی پس از دارا شدن برگ بوجود می‌آورد ولی بر روی آنها، اصولاً گل ظاهر نمی‌شود در حالی که ساقه‌های قائم که ارتفاع آنها به ۲۵ تا ۶۰ سانتیمتر می‌رسد، در فروردین تا اواخر خرداد دارای گل‌هایی با جام بزرگ و به رنگ لاجوردی یا آبی می‌گردند. از اختصاصات جام گل این گیاه آن است که رنگ آن از ارغوانی مایل به بنفش روشن تا آبی تیره تغییر حاصل می‌کند و این خود بر زیبایی پایه‌های متعدد آن در یک چمنزار طبیعی می‌افزاید. دانه آن که شباهت به گیاه قبلی دارد، به صورت ذرات کوچک مروارید جلوه می‌کند.

این گیاه در زمینهای آهکی جنگلهای غیر انبوه و یا حاشیه پرچین‌ها می‌روید بطوری که در اراضی رستی و سیلیسی بسیار نادر است و یا آنکه اصولاً یافت نمی‌شود.

منطقه پراکندگی آن در وسعت پهناوری از مناطق مختلف اروپا و نواحی غربی آسیاست. احتمالاً نیز ممکن است در شمال آفریقا یافت شود. از مشخصات آن این است که در دامنه کوهستان‌ها، تا ارتفاعات ۷۰۰ متری بالا می‌رود.
پرورش آن به علت زیبایی خاصی که ساقه‌های خوابیده و گل‌های درشت آن دارد، در بعضی نواحی معمول است.



ش ۳۰ - *L. purpureo-caeruleum* L. شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

زنبور عسل از نوش آن استفاده می‌نماید. زیرا به سهولت در جام گل نسبتاً درشت گیاه وارد می‌شود و خود را به سادگی غذائی قعر جام می‌رساند.
خواص درمانی - اختصاصات درمانی این گیاه را می‌توان با گیاه قبلی منطبق دانست. از برگ و گل آن به عنوان نرم کننده و رفع تحریکات می‌توان استفاده نمود. از سرشاخه‌های گلدار آن، نوعی نوشابه مفرح شبیه چای تهیه می‌گردد.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، مازندران: کجور، دره هراز، بین کینج و دشت نظیر در ۸۰۰-۱۳۰۰ متری. گرگان: مینودشت (احمداولیائی) و در شمال غربی ایران مانند آذربایجان: جنگلهای ارسباران، قره داغ: علی بلاغ.

L. arvense L. گیاهی یکساله و دارای گل‌های سفید یا مایل به آبی و بندرت گلی رنگ است. دانه آن به خلاف دوگونه قبلی، رنگ قهوه‌ای دارد. ریشه‌اش دارای لیتوس پرسین است و از آن برای رنگ کردن اغذیه استفاده بعمل می‌آید.

دم کرده برگ آن در بعضی نواحی بعنوان مسکن مصرف می‌شود. این گیاه در منطقه وسیعی از ایران مانند نواحی شمالی، بلوچستان، همدان، مزارع اراک، کرمانشاه، اطراف تهران، کرج، اطراف تبریز، خوی، ارومیه، سرچای، اشنو و بند، گرگان: گنبد قابوس، مینودشت (احمد چنگیزی)، مازندران: دره هراز، کندوان، گیلان، شیراز، کرمان: کوه نصر، خراسان: تربت حیدریه، کوه نیشابور و آبشار اخلمد (احمد ماهوان) می‌روید.

پرورش *L. officinale* به منظور استفاده از آن جهت مصارف درمانی و همچنین *L. purpureo - caeruleum*، به عنوان یک گیاه زینتی در بعضی نواحی معمول می‌باشد. از ریشه گیاه اخیر و *L. arvense* در تهیه نوعی ماده رنگی جهت رنگ کردن اغذیه استفاده می‌شود.

Heliotropium europaeum L.

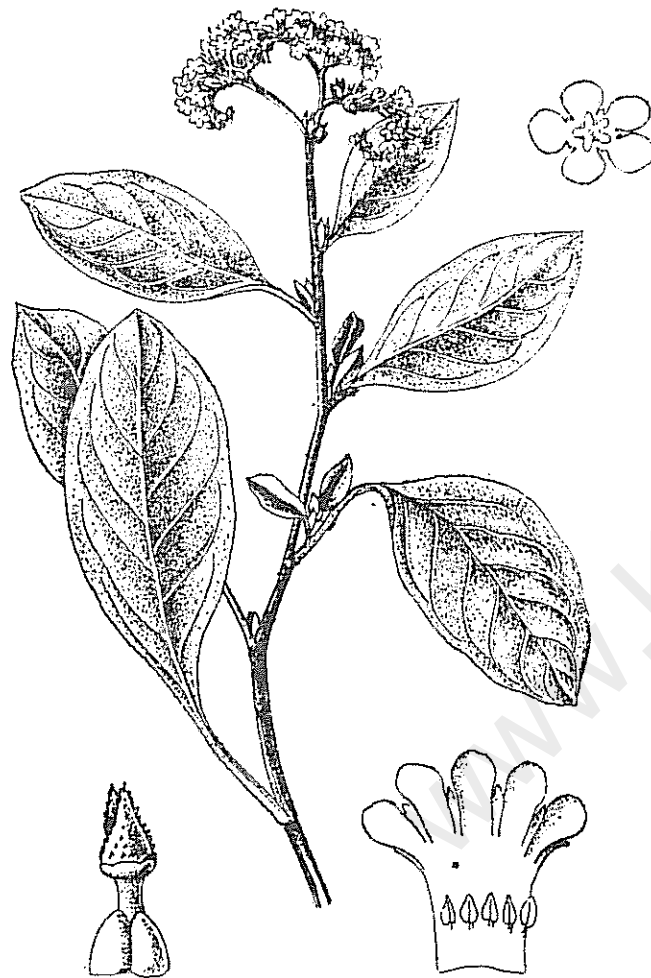
فرانسه: *Héliotrope*، *Héliotrope d'Europe*، *Girasol*، *Verrucaire*، *Tournesol*؛ انگلیسی: *Common-Heliotrope*، *European-Turnsol*، *Eliotropia*، *Verrucaria*؛ آلمانی: *Sonnenblume*، *Sonnenwende*، *Europäische*؛ عربی: *Heliotrop*؛ صاسریوما فارسی: گل آفتاب پرست (نام عمومی همه گونه‌ها)

گیاهی علفی، کوچک، دارای برگ‌های بیضوی، عاری از دندانه و به رنگ سبز روشن در هر دو سطح پهنک است. گل‌های کوچک و سفید رنگ آن، وضع مجتمع و خوشه مانند در حول محوری باریک دارند. انتهای این محور نیز مانند عصائی، دارای خمیدگی می‌باشد. جام گل آن، در بعضی پایه‌ها دارای لکه زرد رنگی در ناحیه وسط است از این جهت مجموعه گلها، به رنگ سفید مایل به زرد جلوه می‌نماید.

آفتاب پرست، ساقه‌ای به ارتفاع ۸ تا ۱۰ سانتیمتر دارد و در اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه، جنوب غربی آسیا، احتمالاً در نواحی غربی ایران: همدان (Fl. de l'Iran) و در

شمال آفریقا می‌روید و بیشتر نیز در مزارع، بوستانها، کنار جاده‌ها و اراضی سنگلاخی پراکنندگی دارد.

قسمت مورد استفاده آفتاب پرست، از نظر درمانی، برگ، سرشاخه‌های گلدار و حتی دانه آن است.



ش ۱۳۱ - *Heliotropium europaeum*: سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی،

جام گل باز شده، پرچم

ترکیبات شیمیائی - از ریشه و دانه گل آفتاب پرست، بطوری که دانشمندانی نظیر Reeb و Schagdenhaffen در سال ۱۸۹۲ بررسی نمودند، الکلوئیدی به نام سینوگلوکوسین cynoglossine به دست آمد ولی چون هنوز مطالعات جدیدی در این باره بعمل نیامده ممکن است ترکیبات دیگری نیز در اعضای این گیاه یافت گردد و مصرف آن در درمان بعضی دیگر از بیماریها، مفید تشخیص داده شود.

خواص درمانی - طبای قدیم برای آن اثر صفرابر، تب بر و قاعده آور قائل بودند. Matthiol در سال ۱۵۵۴، برای آن اثر قاطع در معالجه اولسره‌های غانقرایائی ذکر نموده، برای دم کرده برگ و سرشاخه‌های گلدار آن نیز اثر قطعی رفع سنگ کلیه و دفع کرم روده قائل بوده است.

اسروزه دم کرده ۲ تا ۴ در هزار برگ و سرشاخه گلدار آنرا به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز، به عنوان مقوی قلب، رفع نقرس و سردرد بکار می‌برند. در استعمال خارج اثر التیام دهنده دارد. برگ و دانه های له شده این گیاه را در بعضی نواحی بر روی زگیل جهت از بین بردن آن می‌مالند.

H. ellipticum Ledeb. ، **H. Eichwaldii** Steud. - گیاهی علفی، دارای قاعده چوبی و پوشیده از تارهای نرم است. گل‌های آن در دو ردیف، بر روی محوری به طول ۵ سانتیمتر ظاهر می‌شود و در انتها حالت دم عقربی پیدا می‌کند. در نواحی کویری ایران، هند، نواحی غربی و مرکزی آسیا و استرالیا می‌روید.

خواص درمانی - دارای اثر قوی آور است. جوشانده برگ آن در روغن کرچک، برای پاک کردن و درمان زخمها بکار می‌رود.

محل رویش - در تبریز، بین تبریز و اهر، اطراف دریاچه ارومیه، لرستان، بیشه، خراسان: تربت جام، بلوچستان، اطراف تهران، کرج و قزوین می‌روید.

H. strigosum Wild. ، **H. fruticosum** Forsk. - گیاهی کوچک، چندساله و دارای قاعده چوبی است. برگهای باریک، دراز و نوک تیز و گل‌های کوچکتر از ۲ میلی‌متر دارد. دارای اثر ملین و مدر است.

استفاده از آن اسروزه چندان معمول نیست. احتمالاً بطوری که در بعضی کتب علمی وارد گردیده ممکن است در شمال غربی ایران و بلوچستان یافت شود (Fl. de l' Iran).

* *Heliotropium indicum* L.

فرانسه: *Herbe de saint Fiacre*، *Crête de coq*، هندی: *Hattajurie*، *Hattasura* گیاهی است یکساله، گوشتدار، به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتیمتر و دارای ساقه‌های راست و پوشیده از تار که در ایران نمی‌روید ولی در هند، سیلان، مالایا و نواحی حاره آفریقا، خلیج مکزیک و جزایر اقیانوس آرام پراکنندگی دارد. برگهای آن بیضوی نوک تیز و دارای کناره‌ای بادندانه‌های کوچک و متعدد است. دمبرگ نسبتاً درازی پهنک برگ گیاه را به ساقه اتصال می‌دهد. انشعابات متعدد برگ‌های فرعی برگ نیز ظاهر مشبک، به پهنک آن می‌دهد. گل‌های کوچک و بنفش رنگ آن که بدون واسطه دمبرگ، در طول محور گل آذینی طویل جای گرفته‌اند، منظره کاملاً مشخص به گیاه می‌بخشند.

برگ، گل و گاهی کلیه قسمت‌های گیاه به مصارف درمانی می‌رسد.

خواص درمانی - از کلیه قسمت‌های گیاه جهت رفع تب‌های مقاوم استفاده می‌شود (Ayurveda). از برگ‌های گیاه در غالب نواحی محل رویش جهت درمان زخم و التهاب‌های جلدی با تأثیر دادن آنها بر روی عضو، استفاده بعمل می‌آید و آن نیز بدین علت است که اثر نرم کننده دارد. دارای اثر مدر می‌باشد. برای مقادیر کم گلها، اثر قاعده آور قائل اند و مقادیر زیاد آنرا جهت سقط جنین مصرف می‌کنند. دم کرده گل‌های آن نیز در بعضی نواحی جهت باز کردن قاعدگی مصرف دارد. شمع حاصل از ریشه و برگ گیاه، اثر درمانی در زرد زخم و رفع ناراحتی‌های رماتیسم دارد. در بعضی نواحی نیز دم کرده برگ و جوانه‌های گیاه جهت درمان کبیر بکار می‌رود. شیره برگ‌های تازه گیاه و یا دم کرده برگها جهت شستشوی چشم و درمان ناراحتی‌های آن در نواحی محل رویش بکار می‌رود. دم کرده برگ‌های گیاه در درمان آفت (Aphtes) مؤثر است.

از گیاهان مختلف زیر در درمان آفت (Aphtes) (۱) می‌توان استفاده درمانی بعمل آورد (2).

۱- *Heliotropium indicum* L. - از برگ‌های این گیاه دم کرده تهیه نموده محلول حاصل را پس از صاف کردن، به صورت حمام دهان بکار می‌برند.

۲- *Hibiscus esculentus* L. (بامیه) - مقداری از سیوه گیاه را در آب می‌جوشانند و

۱- آفت (Aphtes)، تحریک مخاط دهان یا واژن به صورت زخم سطحی است که مخاط، رنگ زرد یا خاکستری و یا قرمز تند به خود می‌گیرد و دارای درد و ناراحتی بسیار است. ضمن درمان موضعی، می‌توان سرعت مداوا را با تزریق ویتامین‌های C و B تسریع نمود.

پس از آنکه گرمای ملایم پیدا کرد ، مقدار کمی جوش شیرین به آن افزوده به صورت حمام دهان استفاده بعمل می آورند. این جوشانده تأثیر مفید در رفع تحریک مخاط دارد.

۳- *Ocimum gratissimum* L. - نوعی ریحان است که در نواحی گرم کره زمین ، هند و سیلان پرورش می یابد. دم کرده برگهای آن به صورت حمام دهان در درمان آفت کمک می کند.

۴- گیاه کامل کرفس را به خوبی له کرده شیره حاصل از فشردن آنرا به صورت حمام دهان مورد استفاده قرار می دهند.
در ایران نمی روید.

از انواع مفید و موجود در ایران، به شرح گیاهان زیر سبادت می شود:

H. tuberosum Boiss, *H. bacciferum* Forsk. subsp. *tuberosum* (Boiss.) H. R. گیاهی پایا، دارای ساقه چوبی شده در قاعده و به ارتفاع ۱۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است. پس از خشک شدن نیز رنگ تیره حاصل می نماید. اعضای هوایی گیاه، به علت پوشیده بودن از تارهای سفید و مقاوم، حالت خشن در لمس کردن دارد. قاعده هر یک از این تارها، به یک برجستگی کوچک و سفید رنگ ختم می گردد. برگهای آن ساده، نوک تیز، به طول ۱-۳ سانتیمتر، به پهنای ۸-۲۸ میلیمتر و پوشیده از تارهای خشن مذکور است. کناره آزاد پهنک برگها نیز کم و بیش موجدار و دارای حالت برگشته به سمت پائین می باشد. گلهای آن در ۲ ردیف، در حول محور گل آذین و با ظاهر متفاوت تری جای دارد.

در ایران ، هند، پاکستان و نواحی کویری آسیا می روید.

خواص درمانی- در درمان مارگزیدگی مورد استفاده قرار می گیرد و برای این کار نیز قبلا محل گزیدگی را با جوشانده برگ توتون که مواد ضد عفونی کننده آنرا در بر دارد، آلوده می نمایند و بعداً له شده گیاه را بر روی عضو اثر می دهند.

محل رویش- نواحی جنوبی ایران، بلوچستان، فارس: بوشهر، جزیره خارک، بندرعباس، مکران: نورمحمدی، چاه بهار.

از بین انواع مفید و غیر موجود این گیاهان، گونه های زیر قابل ذکر است:

H. peruvianum L. *، در آمریکا می روید و گلهایی به رنگ آبی بابوی وانیل دارد. از آن برای رفع سردرد و تقویت قلب استفاده می گردد. پرورش این گیاه ، به عنوان یک گل زینتی در بعضی نواحی معمول می باشد.

H. anchusaefolium Poir. *، گیاهی علفی است و در آرژانتین می روید. دم کرده



ش ۱۳۲ - *Heliotropium indicum* : ۱- سرشاخه گلدار ۳-۲- گل آذین (Aurvedea dr.)

برگهای آن در برخی نواحی محل رویش، به عنوان معرق مصرف می شود.

H. elongatum Willd.* گیاهی است بوته مانند که در برزیل می روید و دارای اثر

درمانی قابض، سدر و رفع آسم است.



ش ۱۳۳ - *H. Peruvianum* : سرشاخه گلدار (طبیعی) و برگ و برش قائم آن
(زیر ذره بین - Masclef)

* *Pulmonaria officinalis* L.

فرانسه : *Herbe aux poumons* ، *P. d'Italie* ، *P. officinale* ، *Pulmonaire* ؛
انگلیسی : *S. of Jerusalem* ، *Sage of Bethlehem* ، *Lungwort* ، *Blue - Cowslip* ؛
آلمانی : *Gemeines Lungenkraut* ایتالیائی : *Erba dei polmoni* ، *Polmonaria* ؛
عربی : شتلة الرئة (Shatlat er ri'ah)

گیاهی علفی، به ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر و دارای نمونه‌هایی به اشکال متفاوت از یکدیگر است. در جنگلها، دشتها و اماکن سایه دار غالب نواحی اروپا مانند فرانسه، ایتالیا، بلژیک، نقاط مرکزی اروپا و در آسیا مانند قفقاز می روید ولی در کشور ما یافت نمی گردد. از مشخصات آن این است که برگهای قاعده ساقه گیاه دارای پهنکی است که به سمت دمبرگ کشیده می شود ولی برگهای طول ساقه آن، که مجموعاً به تعداد ۵ تا ۸ می باشد، از راه قاعده به ساقه اتصال پیدا می کند. شکل عمومی برگهای آن بیضوی نوك تیز است. تارهای فراوانی نیز تمام برگ و اعضای هوایی گیاه را می پوشاند. گلهای آن که به صورت خوشه های کوتاه مجتمع می باشند، در آغاز رنگ قرمز دارند ولی تدریجاً به رنگهای آبی مایل به بنفش یا آبی و ندرتاً سفید درمی آیند پرورش آن به علت زیبایی خاصی که گل آذین بعضی از فرمهای آن دارد، در بعضی نواحی معمول است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگهای آن است که قبل از گل دادن از گیاه چیده می شود ولی گاهی کلیه اندامهای گیاه نیز مورد استفاده درمانی قرار می گیرد.

ترکیبات شیمیائی - تانن، قند، مواد چرب، مواد رزینی: الکل سرلیک، فیتوسترین، ساپونین (احتمالاً)، مقدار کمی موسیلاژ یا فقدان آن (Getzow)، اسلح معدنی مخصوصاً اسلح پتاسیم و کلسیم و سیلیس .

خواص درمانی - برگ تازه گیاه دارای اثر نرم کننده، معرق و رفع سرفه است. جوشانده ۵۰ تا ۱۰۰ گرم آن در یک لیتر آب، برای رفع التهاب های گلو و مجاری تنفسی بکار می رود بعلاوه نزله های ششی را نیز برطرف می کند. عده ای معتقدند که از این نظر می توان آنرا برای مسلولین مورد استفاده قرار داد. شهرت درمانی این گیاه در زمانهای سابق نیز بیشتر از نظر تأثیر گیاه، در رفع عوارض سل و بیماریهای ریوی بوده است (علت وجه تسمیه گیاه).

عقیده پزشکان قرن حاضر در مورد اثر درمانی این گیاه غالباً با یکدیگر مشابه نیست مانند آنکه Boris Getzow در سال ۱۹۲۵، با توجه به تجزیه های شیمیائی که در گیاه بعمل آورد، متوجه شد هرگونه اثر درمانی قطعی برای این گیاه گردید در حالی که L. Kroeber در سال

۱۹۳۴ به استناد همان تجزیه‌های شیمیائی، آنرا در رفع بیماریهای دستگاه تنفسی مؤثر اعلام داشت زیرا وجود تانن و مواد سیلیسی، اثر مفید آنرا در بیماران مسلول، و وجود ساپونین در گیاه، اثر خلط‌آور قوی آنرا تأیید می‌نماید.

گیاه خشک، اثر قابض دارد و هنوز هم در رفع اسهالهای ساده، دیسانتری، خون‌آمدن از سینه، بواسیر، وجود سنگ در مجاری ادرار، ضعف عمل مثانه و غیره مصرف می‌گردد.

در استعمال خارج، جوشانده و یا گرد اعضای خشک‌شده آن، بر روی زخمها و جراحات اثر داده می‌شود.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

*** *Alkanna tinctoria* Tausch.**

Anchusa tinctoria L. ، *Lithospermum tinctorium* L.

فرانسه : *Orcanette* ، *Alkanna* انگلیسی : *Dyer's bugloss* ، *Alkanet*

ایتالیائی : *Alkanna spuria* ، *Arganetta* آلمانی : *Ochsenszunge* ، *Alkanne*

عربی : حنّالغول (*Hhen nal ghul*) ، رجل الحمام ، شجرة الدم

گیاهی علفی، پایا و پوشیده از تارهای خشن است. در قاعده ساقه آن، دسته‌ای از برگهای منتهی به دمبرگ مشخص دیده می‌شود در حالی که برگهای واقع در طول ساقه آن، عاری از دمبرگ و دارای وضع ساقه آغوش است. گل‌های آن آبی رنگ و مجتمع به صورت گرزنی می‌باشند. در اروپا مخصوصاً نواحی مرکزی و جنوبی آن مانند منطقه مدیترانه، در زمینهای ساسه‌ای می‌روید ولی در ایران دیده نشده است.

قسمت مورد استفاده این گیاه ریشه آن است که دارای پوستی به رنگ قرمز مایل به سفید بنفش می‌باشد.

ترکیبات شیمیائی - پوست قاعده ساقه (سوش) و ریشه آن دارای یک ماده رنگی به نام *alkannine* است که از آن هنوز هم در رنگ کردن الیاف پارچه استفاده بعمل می‌آید.

آلکانین *Alkannin* (آنکوزا اسید *anchusa acid* ، آنکوزین *anchusin* ، آلکانارد

Alkanin ، *alkanne red*) ، ماده‌ای رنگی، به فرمول $C_{17}H_{16}O_6$ و به وزن سلکولی ۲۲۸۲۹ است. استخراج آن از ریشه *Alkanna tinctoria* Tausch. توسط Brockmann^(۱) و سپس

محققین دیگر صورت گرفته است.

1 - Brockmann , Ann. 512, 1 (1936) ; Toribara , Underwood, Anal. Chem. 21, 1352 (1949).

آلکانین به صورت بلوریهایی منشوری به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای با درخشندگی فلزی، در بنزن به دست می‌آید. در گرمای ۱۴۹ درجه ذوب می‌شود. قابلیت تصفیه شدن در خلاء (high vac.) در گرمای ۱۴۰-۱۵۰ درجه دارد. در محلول‌های آبی، کلروفرم، اسیداستیک، کلرال



ش ۳۴-۱ *Alkanna tinctoria* : گیاه کامل گلدار به اندازه تقریباً طبیعی (Hegi)

و در روغن‌های مختلف حل می‌شود. در آب به مقدار بسیار کم محلول است. در pH برابر ۸٫۸ ، به رنگ قرمز ارغوانی و در pH برابر ۱۰ ، به رنگ آبی در می‌آید.

فرم راست گرد آن به نام Shikonin و فرم راسمیک آن، به نام shikalkin است. از نظر درمانی اثر قابض دارد.

از ماده رنگی آلکانا، جهت رنگ کردن پارچه ها استفاده بعمل می آورند. تنظوران، بافت های چوب پنبه ای را به رنگ قرمز مشخص در می آورد. از این جهت در آزمایش های گیاه شناسی از آن برای تشخیص بافت چوب پنبه ای استفاده بعمل می آید بعلاوه در تهیه بعضی پمادها مانند پماد روزا Pommade Rosat از آن استفاده می شود.

این گیاه در ایران نمی روید .

Cordia Myza L.

فرانسه : Sébestier ، Arbre aux sébeste انگلیسی : Cordia ، Assyrian Plum
آلمانی : Sebestenbaum ، Brustbeerbaum ایتالیائی : Sebestana domestica
فارسی : سبستیان - عربی : دبق (Dabq)، سخاطه Mukhâtah ، سخیط (Mukhyte)

درختی است که در نواحی جنوبی ایران، مخصوصاً سواحل خلیج فارس پراکنده گی دارد. برگهای آن بی کرک، بیضوی (گاهی دارای نوک باریک)، منتهی به دم برگ دراز و گل های آن دارای جام قیفی شکل، پلی گام و مجتمع به صورت نوعی گرز فاصله دار است. میوه اش شفت، به بزرگی یک گیلاس و دارای میان بر چسبنده ای به رنگ زرد، پس از رسیدن کامل می باشد. از آن برای تغذیه نیز استفاده بعمل می آورند.

خواص درمانی - پوست این درختچه، اثر قابض و ریشه اش خاصیت سسهلی دارد. از برگ آن در بعضی نواحی، مخصوصاً در هند، برای مصارفی شبیه برگ گاوزبان استفاده بعمل می آورند. دم کرده میوه خشک آن، به عنوان نرم کننده، به حالت ساده یا مخلوط با میوه ودانه های لعابدار مصرف می شود.

محل رویش - خلیج فارس، لار: بین حاجی آباد نزدیک طارم و بندر عباس، جزیره خارک، نواحی مختلف بلوچستان، سکران: نیک شهر در ۹۰ متری و چاه بهار.

نام سپستان بتفاوت به درخت مذکور و یا میوه آن، در نواحی مختلف اطلاق می گردد. از این انواع سفید و غیر موجود Cordia ها در ایران به ذکر گیاهان مختلف زیر مبادرت می شود:

۱- *Cordia Rothii* Roem. * ، *C. reticulata* Roth. - درخت کوچکی به

ارتفاع ۶-۱۲ متر و دارای پوست خاکستری است. برگهای متقابل، دراز در انتها، به طول ۶ تا ۱۲ و به عرض ۲ تا ۳ سانتیمتر دارد. گل های کوچک و سفید رنگ آن به صورت گل آذین های گرز

در طول شاخه و یا در قسمت انتهائی آنها ظاهر می شود. میوه گوشتدار، شفت، به رنگ زرد یا قهوه ای مایل به قرمز پس از رسیدن، و محتوی یک دانه دارد. در نواحی گرم جنوب آسیا مانند هند، پنجاب، دکن و در عربستان: حبشه می روید.

جوشانده پوست آن اثر قابض دارد و در بیماری های التهابی مخاط دهان به صورت غرغره بکار می رود.

۲- *C. obliqua* Willd. * درختی با برگ های کامل، بیضوی نوک تیز و گل های کوچک و مجتمع در طول شاخه هاست. میوه گوشتدار، به رنگ قهوه ای مایل به زرد یا صورتی و یا تیره رنگ دارد. در هند، سیلان، جاوه، فیلیپین و کینه جدید می روید. میوه اش دارای اثر ضد کرم، نرم کننده سینه، خلط آور و مدر است و از آن برای رفع سرفه های خشک استفاده می شود. برای شیر ساقه اش اثر تب بر قائل اند.

۳- *C. boissieri* A. D. C. * - درختی است که در کوبا می روید. روغن چوب آن جهت درمان بیماری سل مصرف دارد. دم کرده گل های آن به صورت چای جهت رفع سرما خوردگی بکار می رود.

۴- *C. collococca* L. - لعاب میوه این درخت، برای درمان اسهال های ساده و دیسانتری مصرف می شود. محل رویش آن در جزایر اقیانوس کبیر است.

۵- *C. curassavica* (Jacq.) R. S. * - درختی است که در جزایر مارتینیک و گویان می روید. جوشانده برگ گیاه جهت رفع سرما خوردگی، گریپ، ذات الریه، سرفه و بیخوابی مصرف دارد. شیر برگ های تازه آن دارای اثر رفع تب در بیماری مالاریا است. دارای نوعی اسانس، اسید - کافنیک، کامفورول camphorol و اسید متیل سالیسیلات است (1).

۶- *C. vestita* Hook. & Thomas * درختچه کوچکی است که در نواحی جنگلی هیمالیا و برخی مناطق هند می روید. گل های مجتمع به رنگ سفید مایل به زرد و میوه شفت، بیضوی و به طول متوسط ۵ سانتیمتر دارد.

میوه اش دارای اثر خلط آور و قابض است

میوه بعضی دیگر از درختان این تیره نیز مانند *Ehretia elliptica* DC. * که در اتازونی می روید و همچنین *Bourerria succulenta* Jacq. * که در آنتیل وجود دارد، به مصارف تغذیه می رسد.

گیاهان مفید دیگری نیز در این تیره وجود دارد که از برخی از آنها به شرح زیر، استفاده درمانی بعمل می آید:

Anchusa italica Retz

A. azurea Mill. ، A. paniculata Ait.

فرانسه : Buglos d'Italie ، Bourrache bâtard انگلیسی : Sea bugloss

آلمانی : Italienische Ochsenzunge ایتالیائی : Buglossa volgare

عربی : لسان الثور، لسان الحمل، ذنب القط (Dhanab el qitt)

گیاهی علفی، دوساله یا چند ساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۰.۵ تا ۱ متر و پوشیده از تارهای خشن است. برگهای بیضوی نوک تیز و گل‌های آبی با ظاهر بسیار زیبا دارد. برگ آن به حالت پخته در ایتالیا مصرف می‌شود و اثر نرم کننده دارد.

پرورش این گیاه به علت گل‌های زیبایی که دارد در بعضی از نواحی اروپا معمول گردیده که خود باعث انتشار وسیع آن در منطقه مدیترانه شده است.

این گیاه در شمال ایران، مازندران، ارتفاعات البرز، گیلان، رودبار، اطراف تهران، اصفهان و آذربایجان: تبریز، یام، لرستان: ازنا در ۱۸۰۰ متری، کرمانشاه، همدان، قزوین: بیورزن می‌روید.

A. officinalis L. *، گیاهی علفی و دوساله است. در اروپا مرکزی و جنوبی به حد

وفور یافت می‌گردد ولی در ایران دیده نشده است. برگ‌های ساده و گل‌های مجتمع به رنگ‌های آبی یا گلی و حتی سفید و مجتمع به صورت خوشه‌های فشرده دارد. دارای اثر نرم کننده است و معمولاً گل آن به علت خواص درمانی مشابهی که با گل گاوزبان دارد، به جای آن و یا مخلوط با آن مصرف می‌گردد.

Echium amoenum F. M. گیاهی علفی پایا و دارای اعضای پوشیده از تارهای نرم

است. ساقه راست یا به حالت خمیده و برگ‌های ساده با یک رگبرگ منحصر به فرد دارد. گل‌های درشت و آبی مایل به بنفش یا بنفش رنگ آن، در ماه‌های اردیبهشت تا تیر، به تعداد کم بر روی ساقه آن ظاهر می‌گردد. میوه‌اش فندقه، نوک تیز و پوشیده از برجستگی‌های کوچک و متعدد است.

گل‌های این گیاه به طوری که قبلاً اشاره شد تحت نام **گل گاوزبان**، از کوهستان‌های شمال ایران جمع آوری و به بازارهای ایران عرضه می‌شود. در واقع آنچه که به نام گل گاوزبان در درمان بیماری‌ها بکار می‌رود، گل‌های خشک شده این گیاه است. با توجه به اینکه از خاصیت درمانی این گیاه در

هیچیک از کتب داروئی، ذکری به میان نیامده ولی سال‌های متمادی است که گل‌های آن در ایران به علت معرق بودن و دارا بودن صفات درمانی دیگر، مصرف فراوان مخصوصاً در رفع عوارض گریپ و سرماخوردگی دارد، باید آنرا یک گیاه داروئی و اصیل ایرانی دانست که از سال‌ها قبل مورد شناسائی مردم بوده است ضمناً بررسی ترکیبات شیمیائی اندام‌های آن به منظور درک اثرات درمانی که دارد، موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد (سولف).

این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمالی ایران، در گیلان: منجیل، ارتفاعات عمارلو: چرم کش (در ۱۸۰۰ متری)، کبوترچاک، داماش، ایسپیلی، ارتفاعات سیاه بیشه (راه کرج به

چالوس)، ارتفاعات بین رودبار و منجیل، جنوب رودبار (بالای سینه‌خانی، ناحیه خوشس در ارتفاعات ... متری - مرضیه ذاکری)، نواحی شمالی هرزیل، کندوان و جنگل پل زنگوله، دره چالوس، گرگان: میرسحله، بین گرگان و نوده و غیره می‌روید.



ش ۱۳۵ - Anchusa italica : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

Echium plantagineum L. *، گیاهی است که در برزیل می‌روید و از گل‌های آن

به علت دارا بودن مواد لعابی فراوان، برای درمان بیماری‌های سینه و به عنوان خلط آور استفاده بعمل می‌آید. اعراب آنرا **کف الثور** و **آذان الثور** نامند.

***Echium vulgare L.**

فرانسه : Vipérine vulgaire ، Herbe aux Vipères ، Vipérine commune
 انگلیسی : Blue Weed ، Viper's - bugloss ، Viper's herbe ، Snake flower
 آلمانی : Genciner natterkraut ایتالیایی: Erba delle Vipere ، Viperina
 عربی : اخیون (Akhyūn)

گیاهی است علفی که در اروپای مرکزی پراکنندگی دارد. برگهای آن نوک تیز، عاری از دمبرگ و گل‌های آن در آغاز قرمز رنگ است ولی بعداً، سبیل به بنفش و آبی می‌گردد. بندرت نیز به رنگ‌های گلی و سفید دیده می‌شود. زنبور عسل از گل‌های آن نوش فراوان به دست می‌آورد.



ش ۱۳۶ - Echium vulgare : شاخه گلدار - قاعده ساقه - گل

برگ و سرشاخه گلدار آن اثر نرم‌کننده دارد و از آنها برای رفع سرفه استفاده بعمل می‌آید. کلیه قسمت‌های گیاه دارای اثر مدر است. در برگ و سرشاخه‌های گلدار آن مقدار کمی نیترات و

بوسیلان یافت می‌گردد. وجود مقادیر بسیار جزئی از سینوگلوکوسین، کنسولیدین و کانسولین در آن ذکر شده است.

Lycopsis arvensis L. * گیاهی است یکساله و پوشیده از کرک‌های خشن که در نواحی مختلف اروپا می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌گردد. برگ‌های آن سوجدار و گل‌های آن به رنگ آبی زیباست. از آن برای مصارفی شبیه گاوزبان استفاده بعمل می‌آورند.

Tournefortia argentea L. * گیاهی است پایا که در نواحی حاره امریکای روید و از آن نیز به عنوان تب‌بر استفاده بعمل می‌آید.

T. hirsutissima L. * گیاهی است که در بعضی نواحی امریکا مانند جامائیکا می‌روید و در مصارف داخلی جهت رفع سرماخوردگی، سرفه و تب بکار می‌رود و برای اینکار نیز جوشانده برگ و ساقه‌های جوان آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از برگ‌های آن، دم کرده‌ای به صورت چای جهت رفع ناراحتی‌های ریوی تهیه می‌شود که مصرف آن بین بومیان محل رویش گیاه معمول است.

T. umbellata H.B.K. * در مکزیک می‌روید و اثر تب‌بر و رفع ناراحتی‌های سینه و سرفه دارد.

Caccinia crassifolia O. Kuntz (1) ، C. glauca Sav. در منطقه وسیعی از ایران مانند اطراف تهران، دره سفیدرود، اسازاده هاشم، بین رودبار و منجیل، بین دره سلاعلی و پاچنار، (راه قزوین به رشت)، بین رشت و پیربازار، آذربایجان، کرمان، نواحی مختلف البرز و خراسان؛ کوه هزار مسجد می‌روید. دارای اثر درمانی شبیه گاوزبان است. کلیه قسمت‌های گیاه اثر مقوی و مدر دارد و در درمان رماتیسم مصرف می‌شود.

Onosma echioides L.

فرانسه : Onosme انگلیسی : Hairy Onosma ایتالیایی : Borrana salvatica
 آلمانی : Sandlotwurz عربی : اذن الحمار (Udhun el hhimâr)، اونوما (Unûmâ)

گیاهی دوساله، پوشیده از تارهای خشن و دارای ساقه‌ای با انشعابات مخروطی شکل، به ارتفاع ۲۰ - ۵۰ سانتیمتر است. برگ‌های باریک و دراز، به طول ۱۰ - ۶ سانتیمتر و گل‌های زرد رنگ و مجتمع به صورت خوشه‌های ساده یا دوتائی دارد. در زیر گل‌های آن، براکت‌های برگ‌سانند دیده می‌شود. سیوایش مرکب از فندقه‌های بیضوی-سه گوش، صاف و شفاف است. پراکنندگی

1 = C. macranthera Brand Var. crassifolia (Vent.) Brand - Fl. Iranica.

آن به نحوی است که از افغانستان تا اروپا اداسه دارد. وجود آن در ایران، یعنی در نواحی سرزی شرق ایران و اطراف تهران، بطوری که در بعضی کتب علمی وارد گردیده، تایید نشده است.

ریشه، برگ و یا کلیه قسمت‌های گیاه به مصارف درمانی می‌رسد.

خواص درمانی - کلیه قسمت‌های گیاه طعم تلخ و تند و اثر ضد کرم دارد. در درمان برونشیت، درد در ناحیه شکم، عدم دفع ادرار، خارش و دفع سنگ‌های صفراوی مفید واقع می‌گردد (Ayurveda). برگ‌های له شده آن معمولاً بر روی پوست بدن جهت درمان دانه‌های جلدی اثر داده می‌شود. مصرف گلهای آن به عنوان مقوی قلب و رفع طپش قلب بین مردم معمول است و چون اثر مدر دارد، در معالجه بیماریهای مجاری ادرار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از ریشه گیاه در منطقه مدیترانه، نوعی ماده زرد رنگ استخراج می‌شود.

Trichodesma africanum (L.) R. Br.

Borago africana L.

فرانسه : Bourrache sauvage ، Trichodesme ، انگلیسی: African borage
آلمانی : Haarbundel ، Haarboretsch ایتالیائی : Borrana d' africa
عربی : حمیمه (Hhamimah) ، شوك الضمیع ('Shawk ed dabb)

گیاهی چندساله، به ارتفاع ۱-۴ سانتیمتر و دارای ساقه منشعب و پوشیده از تارهای سوزنی شکل و خشن است. برگ‌های متقابل، بیضوی دراز، یا دراز و نولک تیز و پوشیده از غده‌های سفید سوزنی شکل دارد. گلهای آبی رنگ آن، به صورت گل‌آذین خوشه انتهائی ظاهر می‌شود. ناحیه گلوی جام گل آن دارای رنگ زرد و لکه‌های قهوه‌ای رنگ می‌باشد. میوه‌اش مرکب از فندقه‌های دراز و تقریباً نولک تیز، با کناره دنداندار است. در نواحی مختلف هند، پنجاب، افغانستان ایران، عربستان، نواحی حاره آفریقا و غیره می‌روید.

برگ آن اثر مدر و نرم کننده دارد. در بعضی نواحی از آن برای رفع سرفه‌های سخت استفاده بعمل می‌آید.

محل رویش - کرمان: ۱۹ کیلومتری جنوب غربی نصرت آباد. بلوچستان: بین خاش و ایرانشهر، بازنان، سکران: ناحیه‌ای به نام تنگ سرخ، کوه سرباز، سیستان: کوه خواجه.

از گونه‌های سفید و غیره موجود این گیاهان در ایران، نوع زیر را ذکر می‌نمائیم:

Trichodesma zeylanicum R. Br. * در عربستان، هند و سیلان می‌روید.

برگ‌های دراز و نولک تیز و گلهائی به رنگ سفید روشن دارد. برگ‌های آن دارای اثر مدر و سلین

است. از کلیه قسمت‌های گیاه جهت درمان لکه‌های سفید رنگ ناحیه گردن و همچنین درمان بواسیر استفاده می‌شود. در بعضی نواحی محل رویش نیز، اعضای این گیاه جهت درمان مارگزیدگی بکار می‌رود.

دانه‌های کوچک این گیاه از پوسته‌ای ظریف و ترد پوشیده است در داخل آن، مغز روغنی دانه به رنگ کرم جای دارد که ۲۵ تا ۳۰ درصد سواد چرب در خود ذخیره دارد. روغن حاصل از آن پس از استخراج، دارای حالت روان، رنگ زرد طلایی و مشخصاتی به شرح زیر است:

وزن مخصوص در گرمای ۱۵ درجه برابر ۰.۹۲۹ ر.

اندیس انکسار در گرمای ۴۰ درجه، ۱.۴۷۱۰

اندیس صابونی شدن، ۱۹۲

اندیس ید، ۱۶۱

این روغن، طعم مطبوع دارد و می‌تواند به مصارف تغذیه برسد. دارای اثر خشک‌شونده است. تفاله حاصل از روغن کشتی نیز می‌تواند به مصرف تغذیه حیوانات برسد.

T. indicum R. Br. *، در هند، بلوچستان، ایران، سیلان و افغانستان می‌روید. مصرف آن،

خارج شدن جنین سرده را تسهیل می‌کند و بعلاوه مدر است (مارتیندال - سرک ایندکس).

* *Cerithe major* L.

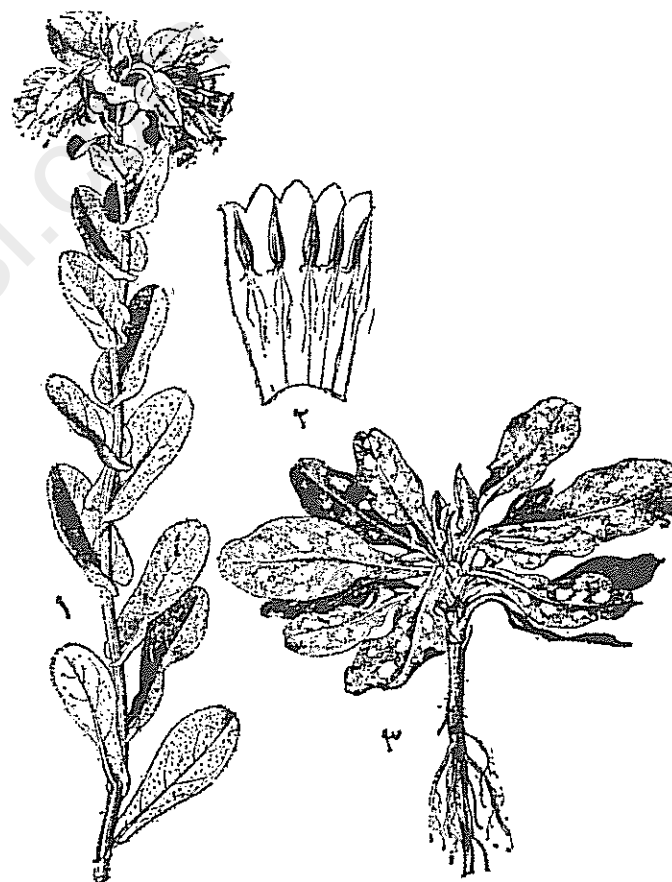
فرانسه : Cérinthe ، Melinet ، انگلیسی : Wax flower ، Small honey-wort

آلمانی : Gelbe Wachsblume ایتالیائی: Erba vaiola عربی: حشیشة البرس (...barass)

گیاهی علفی، به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر و دارای گلهائی زیبا به رنگ زرد ولی با لکه‌های ارغوانی است. در نواحی مختلف اروپا می‌روید ولی در ایران دیده نشده است. به عنوان زینت نیز غالباً پرورش می‌یابد. زنبور عسل از گلهای آن، نوش فراوان و سرغوب به دست می‌آورد. در بعضی نواحی اروپا از جوشانده اعضای این گیاه جهت رفع بیماریهای چشم استفاده بعمل می‌آید.

تیره کوچکی به نام **هیدروفیللاسه Hydrophyllaceae**، مجاور تیره **Boraginaceae** و **Solanaceae** جای دارد که گیاهان آن غالباً در قاره آمریکا و تعداد کمتری نیز در شمال شرقی آسیا، جنوب آفریقا و ماداگاسکار می‌روند. عموماً گیاهانی علفی یا دارای اعضای چوبی و شامل ۲۰ جنس و در حدود ۳۰۰ نوع اند. از مشخصات آنها اینست که غالباً اعضای هوائی پوشیده از تار دارند. گلهای آنها مرکب از قطعات ۵ تائی و میوه آنها به صورت کپسول و محتوی دانه‌های آلبومین دار است.

انواع دارویی قابل ذکر آنها به شرح زیراند (سرک ایندکس - مارتیندال):
Eriodictyon californicum (H. A) Greene* - درختچه کوچکی است که در نواحی مختلف آمریکا مخصوصاً در منطقه کالیفرنیا می‌روید. برگ‌های همیشه سبز، ضخیم با پهنک کاسل، دنداندار و منتهی به دمبرگ کوتاه دارد. از اعضای هوایی مخصوصاً برگ‌های آن،



ش ۱۳۷ - *Cerinthe major* : ۱ - شاخه گلدار ۲ - گل ۳ - *C. minor*

بوی معطر استنشام می‌شود و آن نیز تنها قسمت گیاه است که به مصارف درمانی می‌رسد. طعم برگ‌های آن در آغاز کمی تلخ است ولی تدریجاً به ملایمت شیرین و ترش سزه می‌شود. برای مصارف درمانی باید برگ‌ها را در شیشه‌های کاسلا در بسته و دور از نور نگهداری کرد.

ترکیبات شیمیائی - برگ‌های گیاه دارای اسانس و ترکیباتی مانند آری بودیک تیول

اری بودونول *Xanthoeriodictyol*, *Homoeriodictyol*, *eriodonol* ، اسید -
 اری بودیک تیونیک *eriodictyonic acid* ، اریکولین *ericoline* و رزبن است (سرک
 ایندکس).
 دو نوع دیگر از گیاه مذکور مانند *E. angustifolium* Nutt.* و *E. tomentosum* Benth.
 نیز وجود دارد که هر دو مانند نوع قبلی در کالیفرنیا می‌رویند و در آنها مواد مؤثر مشابه
 یافت می‌شود.

اری بودیک تیول *Eriodictyol* ، به فرمول $C_{10}H_{14}O_4$ و به وزن ملکولی
 ۲۸۸٫۲۵ است. استخراج آن از گیاه مذکور توسط Geissman (1) و تعیین فرمول نسبت و سنتز
 آن توسط Reichel صورت گرفته است (2). این ماده به صورت بلورهای سوزنی شکل بانیم ملکول
 آب تبلور در الکل رقیق تبلور می‌شود. گرمای ۲۵۷ درجه (گرمای سریع)، آنرا تجزیه می‌کند.
 در آبجوش، الکل گرم، اتر و اسید استیک گلاسیال به مقدار کم ولی در قلیائیات رقیق به مقدار
 بیشتر حل می‌گردد.

از نظر درمانی اثر خلط آور دارد.

همو - اری بودیک تیول *Homoeriodictyol* ، به فرمول $C_{14}H_{14}O_4$ و به وزن ملکولی
 ۳۰۲٫۲۷ است. استخراج آن از گیاه مذکور و از نوع دیگری به نام *E. angustifolium* Nutt.
 توسط Geissman ، تعیین فرمول گسترده آن توسط Shinoda و Seka و سنتز آن توسط Farooq
 و همکارانش انجام گرفته است (3).

این ماده در اسید استیک ۷ درجه، تبلور می‌گردد. در الکل رقیق نیز به صورت ورقه‌های
 کوچک، تبلور حاصل می‌کند. در گرمای ۲۲۵ درجه (پس از خشک شدن در خلاء ، در گرمای
 ۱۱۰ درجه) تجزیه می‌شود. در الکل و اسید استیک به مقدار متوسط حل می‌شود. در آب
 و استات اتیل تقریباً غیر محلول است. در بنزن و کلروفرم، عملاً قابلیت انحلال ندارد.
 تری استات آن در گرمای ۱۱۵-۱۱۶ درجه ذوب می‌شود.

اریکولین *Ericoline* (*Erycoline* ، *Ericolin*) ، گلوکزید یا مخلوطی از مواد
 مختلف است که از گیاه مذکور و همچنین از ۲ گیاه دیگر به نامهای *Ledum palustre* L.
 (*از گیاه کاسل*) و *Arctostaphylos uva-ursi* Spreng. (از برگ) که هر دو در تیره *Ericaceae*

1 - Geissman, J. Am. Chem. Soc. 62, 3258 (1940).

2 - Reichel et al., Am. 550. 146 (1942).

3 - Farooq et al., Naturwiss, 46, 76 (1959).

جای دارند بدست آمده است (1) و ممکن است آربوتین ناخالص باشد (Merck Index). اریکولین، به صورت گرد آسف به رنگ زردسایل بقیه‌های و دارای طعم تلخ و رزینی است. در آب و الکل حل می‌شود.

خواص درمائی- برگهای نوع اول از گیاهان مذکور، به عنوان یک ماده تلخ و خلط‌آور مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن بمنظور مخفی ساختن طعم کینین و فرآورده‌های تلخ دیگر، معمولاً به صورت شربت استفاده می‌شود. مقدار مصرف آن، ۱ تا ۴ گرم است. دو نوع اخیر از گیاهان مذکور نیز به سمارف درمائی مشابه می‌رسند زیرا مواد مؤثره آنها شبیه یکدیگر است.

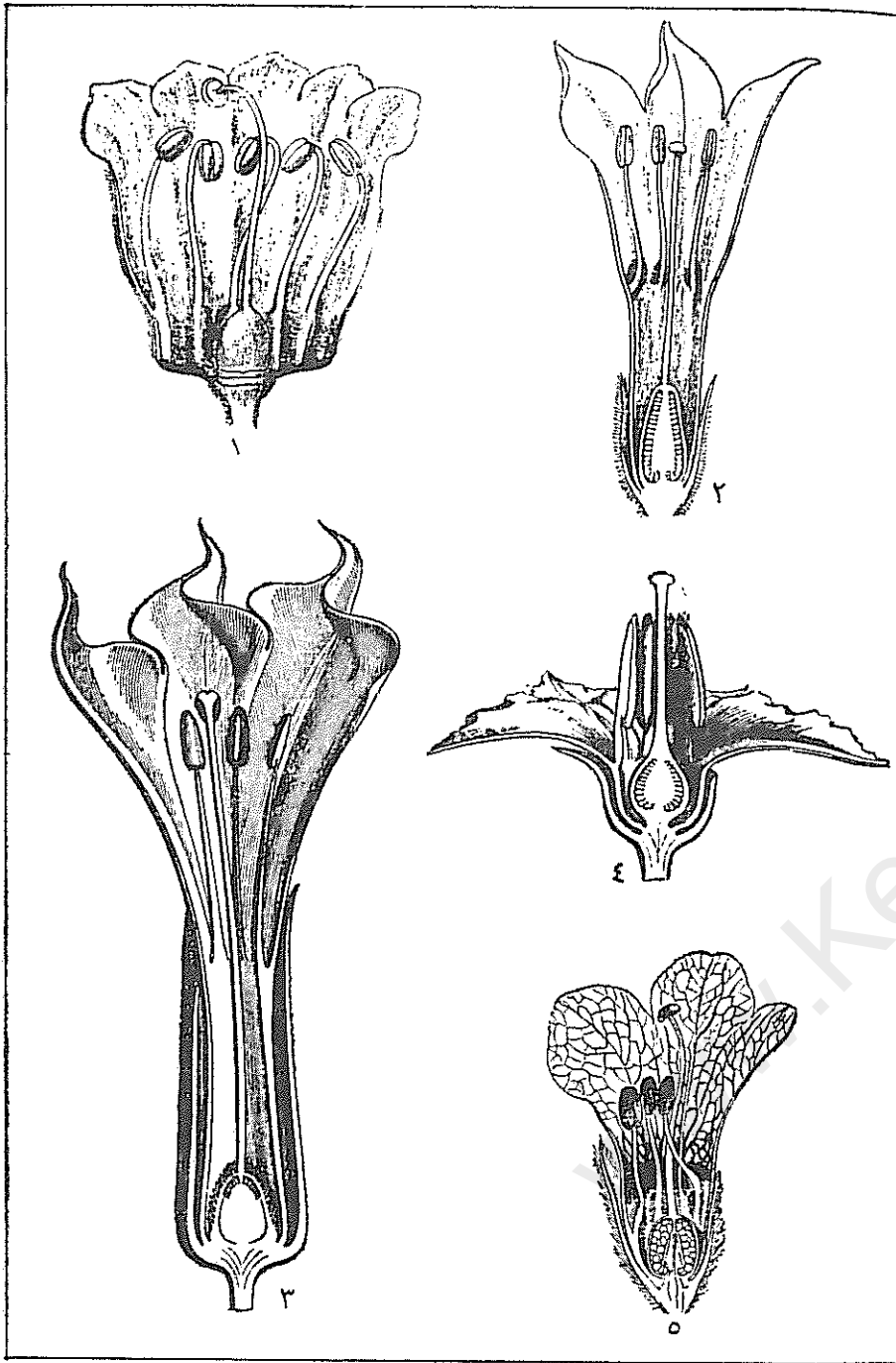
نام غیر علمی نوع اول Mountain Balm و Yerba Santa است.

هیچیک از ۳ نوع مذکور در ایران نمی‌رویند.

تیره میمب زینینی Solanaceae

در این تیره، گیاهان فراوانی در حدود ۵۰۰ گونه در ۹ جنس جای دارند که بتفاوت در نواحی گرم کره زمین مخصوصاً آمریکای مرکزی و جنوبی و یا در نواحی معتدله پراکنده‌اند. غالباً گیاهانی علفی یکساله یا پایا و بندرت بالارونده یا دارای اعضاء کاملاً چوبی و یا درخت مانند می‌باشند. برگهای آنها متناوب، معمولاً بدون استیپول، ساده یا لوبدار و یاسرکب از برگچه ناساوی است. گل‌هایی نر- ماده یا بندرت شامل یکی از اجزای گل (پرچم یا مادگی)، منفرد یا مجتمع به صورت گرزنیهای دو سویه و یا بوضع درهم دارند. اجزای گل آنها ۵ تائی است ولی در بین آنها، انواعی با پرچمهای کمتر نیز دیده می‌شود. مادگی آنها اصولاً ۲ برچه‌ای و محتوی تخمکهای فراوان است. در بعضی از این گیاهان، کاسه گل در طی دوران نمو سیوه، به صورتی درمی‌آید که آنرا مانند غشاء نازک و قرمز رنگ که فقط در انتها کمی باز است، فرا می‌گیرد. جام گل در انواع مختلف این گیاهان به صورت قیفی شکل، استکانی و یا دارای ظاهر چرخ مانند است. با آنکه در غالب این گیاهان تخمدان دارای بیش از ۲ خانه نیست. معهذاً در بعضی از آنها مانند *Datura* ها، حفره تخمدان بر اثر بوجود آمدن جدارهای داخلی، به ۴ خانه تبدیل می‌شود. در بعضی از آنها نیز مانند گوجه فرنگی، تخمدان دارای بیش از ۱۰ خانه است.

1 - Rochleder, Swartz, Jahresber. 1853, 573.



ش ۱۳۸- گل باز شده یا برش آن در چند گیاه تیره میمب زینینی: ۱- *Atropa Balladonna* ۲- *Nicotiana tabacum* ۳- *Datura Stramonium* ۴- *Solanum tuberosum* ۵- *Hyoscyamus niger* (Ball.)

میوه آنها به صورت مختلف گوشتدار، سته یا پوشینه (کپسول) و محتوی دانه های فراوان آلبومین دار می باشد. از جنس های مهم این تیره Solanum (دارای حدود ۲۰۰ گونه)، Datura (۱ گونه)، Hyoscyamus (۱۱ گونه)، Lycium (۱۰۰ گونه)، Capsicum (۳۰ گونه)، Atropa (۲ گونه)، Nicotiana (۷۵ گونه) و Cestrum (۱۵۰ گونه) را نام می بریم (Emberger L.).

اختصاصات تشریحی - اعضای گیاهان این تیره بتفاوت دارای اختصاصات تشریحی

به شرح زیر است:

۱- عده زیادی از آنها دارای آبکش حول مغزی و یا دسته های متفرق آبکش در داخل منطقه چوب اند.

۲- در اعضای مختلف این گیاهان، بلورهای اکسالات کلسیم به صورت ماکل یا به شکل ذراتی با سطح صاف و عاری از هرگونه تزئینات دیده می شود.

۳- وجود فیبر در ناحیه دایره محیطیه.

۴- فقدان هرگونه بافت ترشحي داخلی.

۵- روزه های بشره در آنها معمولاً فاقد سلولهای همراه است.

عده ای از گیاهان این تیره، به علت دارا بودن مواد سمی، اثر کشنده دارند. بعضی از آنها مانند سیب زمینی، کوجه فرنگی و بادنجان، دارای اعضای خوراکی هستند. در بین آنها نمونه فراوان دارویی، با ارزش درمانی زیاد یافت می شود که تعداد زیادی از آنها در ایران به حالت وحشی می رویند.

از نظر تقسیم بندی کلی، گیاهان این تیره را با توجه به چگونگی جنین آنها که حالت خمیده یا راست و یا نیمه خمیده داشته باشند به دودسته بزرگ بهنجوی قسمت می نمایند. که گیاهان دارای جنین راست یا نیمه خمیده، در یک گروه و انواع دارای جنین خمیده در گروه دیگر جای داده شوند.

از بین گیاهان مذکور، ۶ جنس اول آنها دارای جنین خمیده و دو جنس دیگر، دارای جنین راست می باشند.

انواع دارویی این گیاهان که بعضی از آنها از نظر درمانی اهمیت زیاد دارند به شرح

زیراست:

Atropa Belladonna L.

A. acuminata Royle, A. lethalis Salisb.

فرانسه : Bouton noir, M. marine, Morelle furieuse, Belle-dame, Belladone

انگلیسی : Dwale, Deadly nightshade, Raging nightshade, Belladonna

آلمانی : Echte Tollkirsche, Belladonna, Tollkirsche, Wolfskirsche

ایتالیائی : Erba bella donna, Solano insano, Solano maggiore, Belladonna

فارسی : شاهبیزک، بلادون^(۱) عربی: ست الحسن (Sit el hhusn)

گیاهی است پایا و به ارتفاع یک تا یک و نیم متر که معمولاً در اماکن مرطوب و سایه دار یا در محل عاری از درخت جنگلها، بر روی خاک کبرک اشجار و یا در زمینهای آهکی مناطق مختلف کره زمین مانند نواحی مرکزی و جنوبی اروپا تا کریمه و قفقاز به حالت وحشی و خودرو می روید بعلاوه به منظور استفاده های درمانی، در بعضی نقاط پرورش می یابد.

بلادون، ریشه ای دراز، منشعب، ضخیم، گوشتدار و در رنگ خنثی دارد. ساقه آن استوانه، پوشیده از تار و در انتها دارای تقسیمات ۲ تایی یا ۳ تایی است. برگهایی منفرد بادبرگ کوتاه، بیضی شکل و نوک تیز دارد ولی اگر به قسمت فوقانی ساقه آن توجه شود، هر دو برگ آن در مجاور یکدیگر، آن هم به اندازه های ناساوی مشاهده می گردد. بلادون، گلهائی درشت و به وضع منفرد در کناره برگها دارد. کاسه گل آن پایاست بطوری که پس از ظاهر شدن سیوه نیز قسمتی از آنرا فرا می گیرد. جام گل آن، رنگ قهوه ای چرک یا مایل به بنفش دارد و به شکل استوانه ای است که در انتها به ۵ لوب کوتاه و برگشته ختم می شود.

سیوه اش سته، به بزرگی یک گیلای و در آغاز، سبز رنگ است ولی پس از رسیدن، تدریجاً قرمز و سیاه رنگ می شود. از مشخصات آن این است که قاعد سیوه گیاه، چنانکه ذکر شد از کاسه گل پوشیده باقی می ماند و اگر شکافی در سیوه داده شود، دانه های کوچک، مسطح و تیره رنگ در داخل قسمت گوشتدار آن دیده می شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، ریشه، سیوه و دانه آن است.

تکثیر این گیاه به طرق مختلف قلمه زدن یا بذر پاشیدن و یا کاشتن قطعات ریزوم دار ساقه در اراضی اصلاح شده، صورت می گیرد. زمینهای آبرفتی، برای پرورش و زراعت آن بسیار مناسب

۱- کلمه بلادون، از نام گونه گیاه مشتق گردیده که به زبانهای مختلف خارجی نیز به همین

نام موسوم می باشد.

است. اگر کودی که به زمین زراعتی اضافه می شود دارای نیترات پتاسیم باشد، مقدار نسبی الكالوئیدهای گیاه با مقایسه با گیاه وحشی، افزایش می یابد.



ش ۱۳۹ - *Atropa Belladonna*: سرشاخه میوه دار به اندازه طبیعی

برداشت محصول از اعضای مختلف گیاه به طریق زیر انجام می گیرد:

I- ریشه **بلادون** را در اواخر تابستان، از گیاه دوساله به دست می آورند و در این هنگام نیز، پس از آنکه ریشه گیاه از زمین خارج گردیده، بقایای ساقه هوایی را قطع کرده، آنرا بخوبی

می شویند و در صورت بزرگ بودن ریشه، آنرا به قطعات کوچک تقسیم و سپس در گرمای ملایم، یا در اتوو (etuve) و یا در دستگاههای ساده، خشک می نمایند.



ش ۱۴۰ - *Atropa Belladonna*: شاخه گلدار و میوه دار - برش تخمدان

میوه به اندازه های طبیعی (Emb.)